

نویسنده : چایم لیبین سون «Chaim Levinson» .

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «2024-04-11» .

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

گفتن چیزی که نمی توان گفت : اسرائیل شکست
خورده است - یک شکست کامل

Saying What Can't Be Said: Israel Has Been Defeated – a Total Defeat

اهداف جنگ محقق نخواهد شد، گروگان ها از طریق فشار نظامی بازگردانده
نمی شوند، امنیت برقرار نخواهد شد و طرد شدن بین المللی اسرائیل پایان
نخواهد یافت

*The war's aims won't be achieved, the hostages won't be
returned through military pressure, security won't be
restored and Israel's international ostracism won't end.*



سربازان اسرائیلی در حین تمرین در نزدیکی مرز با لبنان، فوریه 2024، برانکاره را
به سمت هلیکوپتر نظامی حمل می کنند. اعتبار AP Photo/Ariel Schalit :

چپ اسرائیلی مقصر ظهور فاشیسم است مانند سایر نقاط جهان، جذابیت های لیبرال دموکراسی
در اسرائیل نیز کم رنگ شده است. ما باید نخبگان چپ صهیونیستی اسرائیل را مقصر بدانیم که
نتوانستند شکاف بین دارندگان و نداشته ها را کم کنند.

نزدیک مرز با لبنان، فوریه 2024. اعتبار AP Photo/Ariel Schalit: ما با ختیم حقیقت را باید گفت. ناتوانی در اعتراف آن همه چیزهایی را که باید در مورد روانشناسی فردی و توده ای اسرائیل بدانید را در بر می گیرد. یک واقعیت واضح، واضح و قابل پیش بینی وجود دارد که ما باید شروع به درک، پردازش، درک و نتیجه گیری از آن برای آینده کنیم. اعتراف به این که باختیم جالب نیست، بنا براین به خودمان دروغ می گوئیم.

بعضی از ما بدخواهانه دروغ می گوئیم. دیگران بی گناه بهتر است آرامش را در مقداری کربوهیدرات هوادار با پوسته پیروزی کا مل پیدا کنید. اما ممکن است فقط یک نان شیرینی باشد. وقتی آرامش به پایان می رسد، سوراخ باقی می ماند. هیچ راهی برای دور زدن آن وجود ندارد. آدم های خوب همیشه برنده نمی شوند.

کتاب مورد علاقه من "عشق در زمان وبا" است. فکر اینکه حتی پس از 51 سال و نه ماه و چهار روز، فلورنتینو آریزا عشق خود را با فرمینا دازا به پایان خواهد رساند احساس خوبی است. گابریل گارسیا مارکز نویسنده ای افسانه ای بود، اما نامه ها همیشه به مقصد نمی رسند. گاهی عشق زیبا کوتاه می شود، دردناک و خونریزی می کند تا زمانی که مرگ فرا می رسد. زندگی همیشه گاهی اوقات پایان خوبی وجود دارد، اما اغلب وجود ندارد. جنگ ها هم همینطور است.

پس از نیم سال، ما می توانستیم در مکان کاملاً متفاوتی باشیم، اما در گروگان بدترین رهبری تاریخ کشور هستیم. و یک مدعی شا بیسته برای عنوان بدترین رهبری در هر کجای دنیا. هر اقدام نظامی قرار است خروج دیپلماتیک داشته باشد - اقدام نظامی باید به واقعیت دیپلماتیک بهتری منجر شود. اسرائیل خروج دیپلماتیک ندارد.

برای یک رهبر، کسی که ظرفیت رهبری یا تصمیم گیری ندارد، کسی که حس قضاوت خوب خود را به خاطر یک سیگار رایگان از دست می دهد، شرمنده است. با این حال، رای دهندگان به نخست وزیر فعلی به اندازه 32 کرسی کنست ایمان دارند. از نظر تئوری، ما می توانستیم در جای بهتری باشیم. شوک شروع جنگ می توانست نقطه شروعی برای یک کمپین سریع، قدرتمند، و کاملاً موجه برای ریشه کن کردن سریع حماس در هر کجا که ممکن بود باشد. پس از آن می توانست با ائتلافی از کشورهای دارای پول و نیت خوب برای بازسازی، با حمایت جهانی و عربی، همراه با تشکیلات خودگردان فلسطین، جایگزین شود. ما می توانستیم جایگزین مناسبی برای حماس در غزه ایجاد کنیم. پس از شش ماه، شاید اولین نشانه های حکومت مستقل در آنجا دیده می شد. هر روز و هر دقیقه می شد تصمیمات بهتری گرفت. اما این همان کسی است که ما انتخاب کردیم - کت و شلواری با یک نفر.

نمی توانیم بگوئیم، اما باختیم. مردم تمایل دارند به بهترین ها ایمان داشته باشند و خوشبین باشند، به امید اینکه فردا خوب باشد، در روندی هستیم که در نهایت موفق تر خواهیم بود. این اساسی ترین شکست اندیشه بشری است: این تصور که مسیری که ما در

پیش گرفته‌ایم مسیر خوبی است، فقط باید از قبل به آنجا برسیم - که فقط در مدت زمان بیشتری، با کمی تلاش بیشتر، گروگان‌ها بازگردانده خواهند شد. حماس تسلیم خواهد شد و یحیی سنوار کشته خواهد شد. بالاخره ما بچه‌های خوبی هستیم و خیر پیروز خواهد شد.

این همان ذهنیتی است که منجر به این تصور می‌شود که «رژیم ایران به زودی منفجر خواهد شد» و تصورات دیگری که بیشتر به فیلمنامه‌های هالیوود مربوط می‌شوند تا خود زندگی. آنها حقیقت نیستند و به چیزی که ناراحت کننده است مربوط می‌شود. به هر حال، گفتن حقیقت به مردم ناراحت کننده است.

گفتن آن ناخوشایند است، اما ممکن است نتوانیم امن به مرز شمالی اسرائیل بازگردیم.

نتیجه‌گیری من از 7 اکتبر به عنوان یک روزنامه نگار این است که آنچه "ناراحت کننده" است خطرناک‌ترین چیز برای امنیت و آینده ما در اینجا است، که اعتیاد به احساس خوب خود خطرناک است. ما باید حقیقت را بگوییم، حتی زمانی که ناراحت کننده است، حتی زمانی که آزاردهنده است، حتی اگر برخی افراد آن را ابراز تاسف کنند، حتی اگر باعث کاهش روحیه شود.

ما باید در مقابل دستگاه‌های تبلیغاتی بی‌بیست بایستیم حتی اگر سگ‌های مهاجم در فاق ما بو می‌کشند. اگر در اول اکتبر، کسی می‌گفت که رئیس اطلاعات نظامی ناتوان است، اطلاعات نظامی می‌توانست عملیات‌های موفقیت آمیز را برنامه‌ریزی کند، اما نمی‌توانست در مورد یک جنگ آینده هشدار دهد، شین بت در حال چرت زدن است و ما در شرف رسیدن به آن هستیم. با غرق شدن در زندگی ما، چنین فردی دیوانه، شکست خورده و دور از دسترس تلقی می‌شد. برخی از سیاستمداران می‌خواستند چنین فردی را به انتشار اخبار نادرست متهم کنند. نشانه‌های زیادی وجود داشت که نشان می‌داد ارتش در وضعیت بدی قرار دارد، اما ما آنها را نمی‌دیدیم - زیرا معتقدیم همه چیز خوب است.

گفتن آن ناخوشایند است، اما ممکن است نتوانیم امن به مرزهای شمالی اسرائیل بازگردیم، به همان چیزی که قبلاً بوده است. حزب الله این معادله را به نفع خود تغییر داده است. این وضعیت است. ما دائماً از یک ضرب‌الاجل موهوم به خود می‌گوییم - آوریل، مه، 1 سپتامبر - و اگر حزب‌الله آن را تا آن زمان حفظ کند، ما آن را به طور کامل مورد حمله قرار می‌دهیم. ضرب‌الاجل مدام به عقب کشیده می‌شود. منطقه مرزی خالی مانده است. فریب ادامه دارد. اکنون به نظر می‌رسد احتمال زیادی وجود دارد که برای سال‌ها، هرکسی که در امتداد مرز راندگی می‌کند، هدف قرار گیرد. تل‌های دوباره سقوط خواهد کرد.

و این در هر جبهه صادق است: همه گروگان‌ها چه زنده و چه مرده باز نخواهند گشت. محل نگهداری برخی از آنها گم شده است و سرنوشت آنها نامعلوم خواهد ماند. آنها مانند ران‌آراد ناوبر نیروی هوایی سرنگون شده خواهند بود. بستگان آنها بیمار با نگرانی،

ترس و دلهره به اطراف خواهند رفت. هر از گاهی به یاد آنها بالن پرتاب می کنیم. هیچ وزیر کابینه ای احساس امنیت شخصی را به ما باز نمی گرداند. هر تهدید ایرانی ما را به لرزه در می آورد. جایگاه بین المللی ما با شکست مواجه شد. ضعف رهبری ما به بیرون آشکار شد. سال ها توانستیم آنها را فریب دهیم که فکر کنند کشوری قدرتمند، مردمی عاقل و ارتشی قدرتمند هستیم. در حقیقت، ما یک کشور با نیروی هوایی هستیم، و این به شرطی است که به موقع از خواب بیدار شود.

تا حدودی این مکان مقدس ارتش در اسرائیل است که اعتراف به شکست را بسیار سخت می کند. شما نمی توانید چیز بدی در مورد ارتش بگویید. فقط زمانی که نوبت به 7 اکتبر می رسد، به طور خاص اجازه دارید در مورد یک ننگ صحبت کنید. از آن زمان، ما شیر بودیم.

مسلم است که بسیاری از سربازان جنگی در واقع شیر هستند. بلند شدند و از خانه خارج شدند. آنها جنگیدند، مهارت خود را به عنوان سرباز نشان دادند و دستاوردهای تاکتیکی چشمگیری را به دست آوردند. شکست ما به این معنا نیست که آنها سربازان خوبی نیستند، تلاشی نکردند، جانشان را به خطر نینداختند، آماده نبودند هر کاری را که لازم بود انجام دهند. این بدان معناست که ترکیب توانایی های نظامی و رفتار سیاستمداران نتیجه نامطلوبی را به همراه داشت. اسپین دکترها مدام از جا بلند می شوند و فریاد می زنند که «شما به روحیه سربازان آسیب می زنید». در حقیقت، بیان آن آسان است، زیرا چه کسی می خواهد در مقابل سربازان ظاهر شود؟

بنابراین ما به گول زدن خود ادامه می دهیم.

در کنار روانشناسی طبیعی، ماشین هایی وجود دارند که دروغ و فریب را پخش می کنند. یک اردوگاه سیاسی وجود دارد که بقای آن تا حد زیادی به «پیروزی» بستگی دارد. آن اردوگاه مدتهاست که ارتباط خود را با حقیقت و واقعیت از دست داده است. ما با رهبر آن، آن پینوکیوی انسانی آشنا شدیم. او ماههاست که از «پیروزی کامل» و «یک قدم دورتر از پیروزی» صحبت می کند. و چند ماه است که می گوید ما «فوراً» وارد رفح می شویم، فردا، فردا، من می روم. من باور می کنم که اوحد بوزاگلو، چهره واقعیت تلویزیونی، قبل از اینکه یک کلمه نتانياهو را باور کنم، به من می گوید من تنها عشق واقعی او هستم.

این سیستم تا جایی که ممکن است به تعویق انداختن است و در این میان دروغ می گوید. ارتش سخنگوها فریاد می زنند. و در ماه های اخیر، کانال 14 جناح راست، صدای بلندگوی جدیدی به وجود آورده است، «شبابنیک»، همانطور که جامعه افراطی ارتدوکس افراد حاشیه نشین جامعه را به نام موتی کاستل می خواند. اگر نینون ماگال و ارل سگال برده های مطیع پدر-شاه هستند، کاستل خدمتگزار پسر پادشاه یائیر نتانياهو است. من افراد آزادتر را در باشگاه سیاه چال دیده ام.

این هفته کاستل از صفحه های شبکه 14 عبور کرد تا به مردم قول دهد که پیروزی نزدیک است: "شهروندان زیادی با من تماس می گیرند [که می پرسند]: "آیا ما از رفح منصرف شده ایم؟" مسئولیت این است که ما وارد رفح خواهیم شد. نخست وزیر بارها خودش گفته است که ما وارد رفح می شویم و او نمی تواند از ورود به رفح چشم پوشی کند. علاوه بر این، او همچنین در یکی از مصاحبه های خود گفت که برخلاف موضع ایالات متحده، باید به تنهایی این کار را انجام دهیم. ما انجامش خواهیم داد. می توانید آرام شوید. اتفاق خواهد افتاد."

رفح جدیدترین بلوفی است که بلندگوها برای فریب دادن ما به راه می اندازند و ما را به این فکر می کنند که چند لحظه دیگر پیروزی است. تا زمانی که آنها وارد رفح شوند، رویداد واقعی اهمیت خود را از دست خواهد داد. ممکن است گاهی تنها جمی، شاید کوچک، رخ دهد - مثلاً در ماه می. پس از آن، آنها دروغ بعدی را می فروشند، که تنها کاری که باید انجام دهیم این است که _____ (جای خالی را پر کنید)، و پیروزی در راه است. واقعیت این است که اهداف جنگ محقق نخواهد شد. حماس ریشه کن نخواهد شد. گروگان ها با فشار نظامی بازگردانده نمی شوند. امنیت برقرار نخواهد شد.

هر چه بلندگوها بیشتر فریاد بزنند که «ما داریم برنده می شویم»، واضح تر است که ما در حال شکست هستیم. دروغ گفتن هنر آنهاست. ما باید به آن عادت کنیم. زندگی از امنیت کمتری نسبت به قبل از 7 اکتبر برخوردار است. طرد شدن بین المللی از بین نخواهد رفت. البته، مردگان برنخواهند گشت بسیاری از گروگان ها نیز این کار را نخواهند کرد.

برای برخی از ما، زندگی با ترس متحجر کننده از تکرار قریب الوقوع، به مسیر خود باز خواهد گشت. و برای برخی از ما، زندگی به مسیر خود باز نمی گردد. آن مردم مانند مردگان زنده در میان ما راه خواهند رفت. این چیزی است که ما به آن رای دادیم. همینطوریه. ما باید به واقعیت غم انگیز در سرزمین خود عادت کنیم.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

هیم لوینسون روزنامه نگار اسرائیلی متولد: 7 اوت 1984 (سن 39) اورشلیم تحصیلات: دانشگاه آزاد اسرائیل (2014)، دانشگاه آزاد اسرائیل.



هیم لوینسون

----- با تقدیم احترامات «2024-04-28»